

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم

شماره دوم (پیاپی 34)، تابستان 1396، صص 141-167

تاریخ وصول: 1394/09/02، تاریخ پذیرش: 1395/03/26

وضعیت فرهنگی اردبیل بر اساس تراجم رجال از قرون نخستین تا قرن دهم

فاطمه جعفرنیا*

چکیده

با ورود اسلام به ایران، برای حدود دو قرن، ایرانیان در عرصه مناسبات سیاسی و اداری نقش چندانی نداشتند؛ اما با روی کار آمدن عباسیان، زمینه برای نفوذ ایرانیان در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی به وجود آمد. اشتغال ایرانیان به علوم از همان ابتدا از یک سو و توجه خلفا به آموزش دینی مردم سرزمین‌های مفتوحه از آغاز فتوحات از سوی دیگر، انتشار علوم دینی را در ایران باعث شد. علم اولین وسیله ارتباط ایرانیان برای مشارکت در حکومت اسلامی بود. ایرانیان در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی و البته در کنار سایر اقوام و ملل، سهم درخور توجهی ایفا کردند. در این میان، مناطق مختلف ایران از جمله اردبیل، به فراخور وضع سیاسی فرهنگی، در روند شکل‌گیری تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند. به باور نگارنده، با بررسی تراجم علمای اردبیل، می‌توان دریافت که دانشمندان اردبیل در بالندگی دسته‌ای از علوم سهیم بوده‌اند. همچنین موقعیت استراتژیک و حوادث سیاسی منطقه و نیز پویا نبودن و رونق نداشتن مراکز علمی اردبیل، بر وضعیت فرهنگی منطقه تأثیرگذار بوده‌است. نتیجه مبین آن است که دانشمندان منطقه بیشترین فعالیت را در حوزه علوم اسلامی، به‌ویژه عرفان و حدیث داشته‌اند. همچنین به علت نبود ثبات سیاسی و پویا نبودن مراکز علمی منطقه، بسیاری از دانشمندان اردبیل اقدام به مهاجرت کردند و مراکز علمی منطقه چندان در کانون توجه دانشمندان سایر مناطق نبود.

واژه‌های کلیدی: اردبیل، عرفان، حدیث، تراجم، علوم اسلامی.

* استادیار تاریخ دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، dr.jafarniya@gmail.com، نویسنده مسوول

مقدمه

از مناطق مختلف بود. علاوه بر آن مناطق مختلف ایران، به فراخور اوضاع سیاسی اجتماعی، در دوره‌های مختلف ایفای نقش کردند. با نگاهی به تراجم علما و رجال هر منطقه در قرون مختلف، می‌توان از سویی حوزه فعالیت‌های علمی و از سوی دیگر، وضعیت فرهنگی هر منطقه را متأثر از تحولات سیاسی بررسی کرد.

در این پژوهش قصد نداریم تا نگاه قومی، نژادی و منطقه‌ای به تمدن اسلامی داشته باشیم. هدف از این پژوهش آن است که با رویکردی جدید به تراجم علما و رجال اردبیل، با حوزه فعالیت علمای منطقه و تأثیر حوادث سیاسی بر وضعیت علمی اردبیل آشنا شویم. فقدان متون تاریخ اجتماعی و فرهنگی به صورت ویژه و مستقل از ادوار گذشته تاریخ ایران، ما را بر آن می‌دارد تا با استفاده از مآخذ دیگر این کمبود را جبران کنیم. یکی از بهترین مآخذ برای این کار، آثار تراجم و شرح حال‌نگاری است (جعفریان، 1389: 1). در وضعی که کتب تاریخی به‌طور عمده، ناظر به تاریخ سیاسی است، با پژوهش در تراجم رجال می‌توان میزان تأثیر هر منطقه را در توسعه و تکوین تمدن اسلامی روشن کرد. کتب تراجم علاوه بر آشنایی با مشاهیر، می‌تواند به شناخت وضعیت علمی و فرهنگی مناطق مختلف اسلامی یاری رساند.

از نظر پژوهشگران غربی نیز، پژوهش‌های زندگی‌نامه‌ای کمک موثری به درک تغییرات عمده اجتماعی می‌کند. از نظر آنان، هدف از مطالعه زندگی‌نامه‌ها به‌دست آوردن درکی از زندگی و تجربیات افراد در زمینه تاریخی اجتماعی است (Snowman, 2014: 53). برخی پژوهشگران روش‌هایی همچون روش واقع‌گرایی، روش نئو مثبت‌گراها و روش روایی واقعیت را برای مطالعه زندگی‌نامه‌ها مطرح کرده‌اند. ضمن آنکه ترکیبی از این روش‌ها می‌تواند وجود داشته باشد. در پژوهش‌های زندگی‌نامه‌ای، موضوعات معرفت‌شناسی و

با آغاز فتوحات مسلمانان و ورود اسلام به مناطق مختلف، از جمله سرزمین ایران، تاریخ و تمدن ایران وارد مرحله جدیدی شد. از نظر سیر تاریخی، ایرانیان در دوره خلفای راشدین (11 تا 40 ق/633 تا 661 م) دچار نوعی بهت‌زدگی ناشی از فتوحات گسترده اعراب و سقوط امپراتوری ساسانی شدند. در دوره اموی (40 تا 132 ق/661 تا 750 م) نیز، تنها در لایه‌های میانی و زیرین نهادهای سیاسی و اداری به خدمت گرفته شدند. اما با روی کار آمدن عباسیان، از یک سو ایرانیان خود باوری خود را بازیافتند و از دیگر سو، عباسیان به پاس خدمات آنان، مناصب و مقامات مهم را به ایشان سپردند و زمینه نفوذ همه جانبه آنان را فراهم کردند. در عصر اول عباسی یا عصر زرین تمدن اسلامی، خلفای عباسی در کارهای حکومتی خود بر ایرانیان تکیه می‌کردند و این به معنی گسترش فزاینده فرهنگ ایرانی در این عصر، در مقایسه با عصر اموی، بود. در ادامه، ایرانیان موجب رشد انواع دستاوردهای ادبی و علمی شدند که به زبان عربی توسط آنان به نگارش درآمد.

ایرانیان از همان عصر صحابه، به علوم اشتغال داشتند و در آغاز فتوحات، خلفا دانشمندان عرب را برای آموزش و آگاهی دینی مردم سرزمین‌های مفتوحه می‌فرستادند (عبدالمعطی الصیاد، 1373: 73). به واسطه همین معلمان، علوم دینی در ایران انتشار یافت. در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی، ایرانیان نقش درخور توجهی ایفا کردند (عبدالمعطی الصیاد، 1373: 74). البته در کنار ایرانیان، سایر اقوام و ملل نیز سهم بودند. حضور علمای مسلمان، فارغ از هر نژاد و قومیت، تمدن اسلامی را شکل بخشید (زرین‌کوب، 1376: 31). به نظر نگارنده، تراجم دانشمندان مسلمان در علوم مختلف نشان‌دهنده این امر است. آنچه به نام تمدن اسلامی شهرت یافت، محصول اندیشه و فکر دانشمندان مسلمان

تالیف رسول جعفریان (1389): نویسنده در مقدمه به این مطلب اشاره می‌کند که فقدان متون ویژه تاریخ اجتماعی و فرهنگی به صورت مستقل از ادوار گذشته تاریخ ایران، ما را برآن می‌دارد تا با استفاده از مآخذ دیگر این کمبود را جبران کنیم. یکی از بهترین مآخذ برای این کار، تذکره‌های شعرا و به‌طور کلی، آثار تراجم و شرح حال نگاری است. در این آثار به‌طور مشخص، از افرادی در یک ظرف اجتماعی خاص سخن به میان آمده و این خود فرصتی است مغتنم تا با استفاده از آنچه به‌عنوان شرح حال آمده‌است، پایه‌های تاریخی اجتماعی و فرهنگی ریخته شود. کتاب خلاصه‌الاشعار تالیف میر تقی‌الدین محمد کاشانی از جمله آثار تذکره است. این کتاب مشتمل بر شرح حال 650 شاعر است. نویسنده مقاله براساس شرح حال شاعران کاشان و اصفهان در قرن دهم قمری، به بیان ویژگی‌های حیات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی این مناطق پرداخته‌است.

. مقاله «اوضاع فرهنگی آذربایجان، اران و ارمنیه در قرون نخستین اسلامی» تالیف سیدمهدی جوادی (1383): نواحی آذربایجان و اران و ارمنیه گذشته از موقعیت استراتژیکی، سیاسی، نظامی و اقتصادی خاص در ادوار مختلف تاریخی، یکی از مهم‌ترین مناطق فرهنگی به شمار می‌آمده‌است. براین اساس، نویسنده با تکیه بر گزارش‌های مقدسی در احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم و استفاده از آثار برخی جغرافیدانان مسلمان تا اواسط قرن چهارم قمری، به بررسی اوضاع فرهنگی از جمله آموزش و پرورش، ادیان و مذاهب، میراث فرهنگی، آثار هنری و سکه‌های نواحی یادشده پرداخته‌است.

. کتاب «اردبیل در گذرگاه تاریخ» تالیف باباصفیری (1371): کتابی است جامع درباره تاریخ اردبیل در سه مجلد که از دوران قدیم تا سال 1357ش، به بررسی حوادث و تحولات اردبیل پرداخته‌است. این کتاب که از مهم‌ترین پژوهش‌ها در ارتباط با تاریخ اردبیل است،

روش شناختی در کانون توجه است. مطالعات زندگی‌نامه‌ای در میان تعدادی از حوزه‌های علمی و تجربی کاربرد دارد. هدف پژوهش زیست‌نامه‌ای در انواع متفاوت آن، جمع‌آوری و تفسیر زندگی سایرین به‌عنوان بخشی از درک انسانی است (Sabirov, 2015: 249).

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است: موقعیت استراتژیکی اردبیل و حوادث سیاسی آن، بر وضعیت فرهنگی منطقه چه تأثیری گذاشته‌است؟ برخوردار نبودن اردبیل از مراکز علمی پویا و معتبر، بر وضعیت فرهنگی منطقه چه تأثیری گذاشته‌است؟ عملکرد علمی دانشمندان اردبیل در رشد و بالندگی کدام دسته از علوم تأثیرگذار بوده‌است؟ هدف از این پژوهش آن است تا از رهگذر تراجم علما و دانشمندان اردبیل در متون مختلف، به بررسی وضعیت علمی و فرهنگی منطقه از قرون نخستین تا آغاز قرن دهم هجری پردازیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره تاریخ اردبیل، بسیار محدود و اندک است؛ از سوی دیگر، بررسی تاریخ فرهنگی براساس زندگی‌نامه‌های مشاهیر و دانشمندان چندان در کانون توجه نبوده‌است. از این‌رو، نمونه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، در دست نیست. البته اوضاع فرهنگی براساس شاخص‌های دیگر بررسی شده‌است؛ اما مطالعه متون زیست‌نامه‌ای برای هدفی به جز شرح و توصیف زندگی و احوال دانشمندان تاکنون مغفول مانده‌است. براین اساس، با توجه به کمبود اطلاعات در حوزه تاریخ فرهنگی، به نظر می‌رسد با رویکردی جدید به منابع زیست‌نامه‌ای، بتوان جنبه‌های مختلفی از تاریخ فرهنگی مناطق مختلف ایران را بازسازی کرد. برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع:

مقاله «تاریخ فرهنگی و اجتماعی مرکز ایران در نیمه دوم قرن دهم هجری» (بر اساس کتاب خلاصه‌الاشعار)

تشکیل می‌دهد. در دوره هخامنشیان، منطقه اردبیل از جایگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار بود و پادشاهان هخامنشی همیشه سربازانی را مجهز به ابزار نظامی آن روزگار، در این سرزمین به نگهداری می‌گماشتند (ملکی، بی‌تا: 91). در دوره حکومت پارت‌ها و در تمامی دوران ساسانی، منطقه اردبیل به عنوان بخشی از ایالت آذربایجان بود. تا اواخر دوران ساسانی، آذربایجان و از جمله اردبیل را خاندان‌های محلی اداره می‌کردند (حکمت، 1364: 132 و 133). به هنگام فتح آذربایجان در زمان خلیفه دوم به سال 22 ق/643م، اردبیل پایتخت و مقرّ مرزبان آن بود (بلاذری، 1988: 457/2). در زمان خلافت امام علی (ع) و در دوره حکومت اشعث بر آذربایجان، وی گروهی از اعراب اهل عطا را در اردبیل سکونت داده و به آنان دستور داد که مردم منطقه را به اسلام دعوت کنند (بلاذری، 1988: 462/2). در زمان خلافت هشام بن عبدالملک اموی به سال 112 ق/731م (ابن‌اثیر، 1385 ق: 57/6)، خزرها از ناحیه آنان هجوم آوردند و اردبیل را تاراج کردند (بلعمی، 1373: 933).

در سال 201 ق/817م، بابک خرمدین حدود 22 سال، در اردبیل و حوالی آن به مبارزه با دولت عباسی پرداخت. از نیمه اول قرن سوم قمری، با آغاز فترت خلافت عباسی، حکومت‌های متعددی در مناطق مختلف از جمله در ایالت آذربایجان تأسیس شد که دامنه نفوذ و قدرت برخی از آن‌ها در اردبیل نیز گسترش یافت. یوسف بن ابی‌الساج، از امرای سلسله ساجیان، بعد از رسیدن به امارت آذربایجان پایتخت خود را از مراغه به اردبیل انتقال داد (ابن‌حوقل، 1366: 352). اختلاف او با خلیفه باعث شد که در سال 295 ق/908م، سپاهی از بغداد برای سرکوب او به آذربایجان اعزام شود. در این نبرد، یوسف پیروز شد. پس از آن با میانجی‌گری وزیر خلیفه، یوسف به اطاعت درآمد و خلیفه نیز فرمان

با تمرکز بر تاریخ سیاسی این شهر به نگارش در آمده است. هرچند مولف از رویدادهای اجتماعی، تعلیم و تربیت، فرهنگ و هنر، زبان، آداب و رسوم، علما و دانشمندان اردبیل هم سخن به میان آورده و در زمینه اقتصاد و راه‌ها و نیز تاریخچه طب در اردبیل مطالبی عنوان کرده‌است. از آنجاکه مطالب اجتماعی و فرهنگی کتاب مربوط به ادوار متاخر است، در این پژوهش از منظر تاریخ سیاسی اردبیل به آن توجه شده‌است.

کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» تألیف سیدفخرالدین موسوی اردبیلی (1378): کتاب مشتمل بر دو مجلد است. مولف ابتدا به جغرافیای طبیعی، زمین‌شناسی، آب‌وهوا، تاریخ بنا و سابقه تاریخی شهر اردبیل پرداخته‌است. بخش دیگر کتاب به شرح احوال و آثار علما و دانشمندان شهر اردبیل و شهرهای مشکین شهر و خلخال و آستارا اختصاص دارد. مطالب کتاب از جهت آشنایی با احوال آن دسته از رجال و مشاهیر شهرهای اردبیل و مشکین شهر و خلخال که در دوره زمانی پژوهش حاضر بررسی شده‌اند، سودمند است.

پیشینه تاریخی اردبیل

استان اردبیل¹ در شمال غربی ایران قرار دارد و رود ارس مرز شمالی آن را با جمهوری آذربایجان تشکیل می‌دهد. این استان به علت همسایه بودن با جمهوری قفقاز نه تنها حکم دروازه قفقاز را دارد، بلکه از جایگاه ارتباطی و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است.

آثار باستانی سده‌های 12 تا 16 پ.م در نزدیکی شهر اردبیل و همچنین سنگ‌نبشته اورارتویی از سده 7 تا 9 پ.م، بیانگر دیرینگی فرهنگی است که در ادوار پیشین، در منطقه اردبیل وجود داشته‌است (بیات، 1370: 236). مادها در حدود دوهزار سال پیش از میلاد، سرزمین‌هایی را اشغال کردند که امروز استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان را

رقابت با دیسم، شکست او از آل‌بویه و اسارتش به دست امیر بویه سبب تسلط فرستاده امیر بویه بر آذربایجان شد (ابن‌مسکویه، 1379: 64/6).

برادر مرزبان برای مقابله با او از دیسم، مدعی پیشین، یاری خواست. با توجه به مراجعت فرستاده حاکم بویه، همین امر موجب تسلط دیسم بر اردبیل شد (ابن‌مسکویه، 1379: 191/6). پس از آن منطقه عرصه رقابت میان دیسم، وهسودان (برادر مرزبان)، مرزبان بن محمد که از زندان رهایی یافته بود و دیگر مدعیان شد. با وجود قتل دیسم به دستور مرزبان و مرگ مرزبان در سال 958/346م رقابت میان مدعیان به پایان نرسید (ابن‌مسکویه، 1379: 193/6)؛ چرا که اختلافات خانوادگی بین بازماندگان مرزبان، فرمانروایی آل مسافر را در منطقه متزلزل کرده بود و سرانجام در سال 370/981م، قدرت آنان خاتمه یافت. در دوره ابومنصور وهسودان، نام‌آورترین امیر روادی، مقارن سلطنت سلطان مسعود غزنوی نخستین گروه‌های ترکان غز به آذربایجان حمله کردند. در حدود سال 446/1054م، ابومنصور وهسودان به جنگ با اسپهبد مغان پرداخت و وی را شکست داد. تا این زمان، اسپهبدان مغان به استقلال حکومت می‌کردند. بی‌اعتنایی اسپهبد مغان به امیر وهسودان و اطاعت نکردن از وی، بر امیر روادی گران آمد و درصدد جنگ با ایشان برآمد. در این جنگ، اسپهبد مغان شکست خورد و مجبور به اطاعت از امیر وهسودان شد (ابن‌اثیر، 1385: 236/7 تا 245). برای مقابله با مخالفت احتمالی اسپهبد مغان، در ادامه ابونصر دژی در اردبیل بنا نهاد و عده‌ای از قشون خود را در آنجا به پاسداری گماشت. سلجوقیان در سال 463/1071م، به حکومت روادیان پایان دادند.

موقعیت طبیعی و استراتژیکی آذربایجان سبب شده بود که این منطقه در مسیر مهاجرت و فعالیت‌های

حکومت آذربایجان و ارمنستان را برای وی فرستاد (طبری، 1387ق: 142/10؛ ابن‌مسکویه، 1379: 67/5).

برکناری وزیر خلیفه از وزارت، با تمرّد مجدد ابن‌ساج همراه بود. تصرف برخی مناطق از سوی او، سبب خشم خلیفه و درگیری مجدد میان آن‌ها شد و در این میان، دامنه درگیری به اردبیل نیز کشیده شد. با وجود پیروزی اولیه، در نبرد مجدد در نزدیکی اردبیل امیر ساجی شکست خورد و به بغداد فرستاده شد (مسعودی، 1409: 692/2). بعد از مدتی، با شفاعت نزد خلیفه عباسی، دوباره به حکومت آذربایجان بازگشت؛ اما به علت نگرانی از افزایش روزافزون قدرت ساجیان، به پیکار با قرامطیان اعزام شد. در این نبرد، بعد از اسارت به دست قرامطه به قتل رسید (ابن‌مسکویه، 1379: 246/5 تا 253).

بعد از او برادرزاده‌اش به امارت آذربایجان رسید؛ اما حکومت او چندان طول نکشید و در سال 927/317م در اردبیل درگذشت. با مرگ وی حکومت ساجیان به انقراض گرایید. با پایان یافتن کار دولت بنی‌ساج، برای سال‌ها این منطقه عرصه کشمکش میان آل‌مسافر و دیسم بن‌ابراهیم گردی بود. دیسم که از سرداران یوسف بن‌ابی‌الساج بود، درصدد تسلط بر منطقه برآمد. اما مدعیانی همچون مرزبان بن محمد مسافر دیلمی مانع جدی برای غلبه وی بر منطقه بود. همچنین لشکری بن‌مردی، از سرداران دیلمی و شمشگیر زیاری، نیز برای مدتی در کشمکش با دیسم برای غلبه بر آذربایجان بود (ابن‌مسکویه، 1379: 3/6). هر یک از این مدعیان برای مدتی، بر ایالت آذربایجان و شهر اردبیل تسلط داشتند. با پایان یافتن غائله لشکری، کشمکش طولانی میان دیسم و مرزبان بن محمد و دست‌به‌دست شدن مناطق بین آنان برای مدت‌ها منطقه اردبیل را ناآرام ساخته بود. با وجود پیروزی مرزبان در

نکردند. در زمان حکومت خوارزمشاهیان به سال 622ق/1225م، سلطان جلال‌الدین وارد اردبیل و دشت مغان شد و طی دو سال، جنگ سختی با گرجیان شمال رود ارس انجام داد. با رسیدن خبر نزدیکی مغولان، وی به همراهی مردم مناطق اردبیل و مغان به جنگ آن‌ها رفت و پیروزمندانه به آذربایجان برگشت (اقبال، 1364: 111). با استیلای جلال‌الدین خوارزمشاه بر اردبیل و ایالات تابعه آن، وزیر او اداره این ولایات را برعهده گرفت.

سپاهیان مغول به فرماندهی چنگیزخان به اردبیل یورش بردند. در تصرف این شهر، مغولان با مقاومت شدید اهالی آن مواجه شدند و طی دوبار حمله به اردبیل، توانستند به شهر دست پیدا کنند (جوینی، 1387: 219). در این اردوگشی، شهرهای اردبیل و مشکین و دشت مغان غارت و سکنه آن قتل‌عام شدند. هم‌زمان با ورود هلاکوخان (657 تا 663 ق / 1259 تا 1265 م)، امرای مغولی حکمرانی اردبیل و توابع آن را در دست داشتند (میرخواند، 1385: 4021/5).

با برقراری حکومت ایلخانان، هلاکوخان حکومت بر اردبیل و مغان را به پسرش سپرد (جوینی، 1387: 837/2). در دوره جانشینان هلاکو نیز، اردبیل و ولایات تابعه آن در کانون توجه ایلخانان بود. با ورود مغولان و حاکمیت ایلخانان بر این سرزمین اوضاع سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی اردبیل و توابع آن دچار تغییر و تحول بسیاری شد (مستوفی، 1339: 81). با این حال، آنچه در این عصر اردبیل را در مقایسه با شهرهای دیگر متمایز می‌کرد، تبدیل شدن این شهر به یکی از شهرهای مقدس بود. به طوری که وجود خانقاه‌های صوفیان و نیز حضور شیخ صفی‌الدین اردبیلی در این مکان به تقدس آن افزود (سیوری، 1372: 10).

قبایل ترکمان نقش مهمی ایفا کند و به محل اقامت این قبایل مبدل شود. ملک طغرل سلجوقی در لشکرکشی به اردبیل، با ایستادگی مردم این شهر مواجه شد؛ اما سلطان مسعود اردبیل را به محاصره درآورد و با کشتار عده‌ای از مردم، آنجا را تسخیر کرد (ابن‌خلدون، 1368: 10/4). در سال 431ق/1040م، حکومت سلجوقی بر آذربایجان و اردبیل تسلط یافت. در دوران سلطنت دیگر سلاطین سلجوقی، شهر اردبیل در حکم پایتخت سیاسی منطقه آذربایجان تلقی می‌شد و همواره یکی از امیران نظامی قدرتمند سلجوقی اداره آن را برعهده داشت (نیشابوری، 1332: 57).

در دوره سلطان محمدبن محمود سلجوقی (547 تا 554ق/1152 تا 1159م) شمس‌الدین ایلدگز و اتابک ارسلان‌آبه به قدرت‌های بلامنازعی در منطقه آذربایجان تبدیل شدند و با استفاده از فترتی که در نتیجه ضعف سلطان سلجوقی پیش آمده بود، به گسترش قدمرو خود در آذربایجان پرداختند (بنداری، 1356: 222). نگرانی از قدرت روافزون اتابک ایلدگز باعث شد که حاکم اردبیل به تحریک وزیر خلیفه عباسی پردازد و به اتفاق او و برخی از امرا و حاکمان مناطق دیگر، علیه اتابک ایلدگز وارد جنگ شوند. در این درگیری، اتابک ایلدگز موفق به شکست دادن آن‌ها شد (الحسینی، 1933: 145).

با مرگ حاکم اردبیل در سال 560ق/1165م، ایلدگز از خلاء قدرت در اردبیل نهایت استفاده را برد و شهر را در اختیار گرفت. اواخر عهد سلجوقیان، اردبیل از حملات گرجیان خسارت فراوان دید (ترابی طباطبایی، 1355: 18/2). گروهی از قشون گرجی، اردبیل را به محاصره درآوردند. آنان بدون هیچ‌گونه درگیری شهر را تصرف و غارت کردند. گرجیان در حدود یک قرن بلای بزرگی برای مسلمانان آذربایجان، به‌ویژه اردبیل، بودند و از قتل و آزار ساکنان خودداری

1336: 402/2). پس از آن، منطقه اردبیل از سویی شاهد نزاع و درگیری سپاه شاهرخ و میرزامیرانشاه بود و از سوی دیگر، اقدام امیرزاده عمر برای دستگیری امیر بسطام جاگیرلو (حافظ ابرو، 1380: 62/3).

شاهرخ در جریان عملیات خود علیه قراقویونلوها، در چند نوبت راهی اردبیل شد (روملو، 1384: 240/1 و 337). وی پس از تسلط بر آذربایجان و مغان، حکومت آنجا را به فرزند قرايوسف، یعنی جهانشاه، سپرد (میرخواند، 1385: 5431/6). بین سال‌های 831 تا 839 ق/1428 تا 1436 م حکومت اردبیل و مغان را ابوالقاسم بابر میرزا، نوه شاهرخ، به دست گرفت. امرای قراقویونلو نیز یک چندی بر منطقه آذربایجان تسلط داشتند. اقتدار و نفوذ برخی مناطق میان آن‌ها، فرمانروایان جلایری، تیموریان و آق‌قویونلوها به صورت کرا دست به دست می‌شد. اتحاد میان ابوسعید تیموری و امیر قراقویونلو برای نبرد با اوزون‌حسن آق‌قویونلو، اردبیل را عرصه تاخت‌وتاز این مدعیان قدرت کرد (میرخواند، 1385: 5630/6) که نتیجه آن شکست امیر تیموری و قتل او بود (سمرقندی، 1383: 1353/2).

در این زمان در اردبیل شیخ جنید، از نوادگان شیخ‌صافی‌الدین، دوره جدیدی را در تاریخ طریقت صفویه گشود. نفوذ روزافزون و افزایش پیروان شیخ‌جنید، ترس و تهدیدهای جهانشاه قراقویونلو را به همراه داشت. به دنبال این تهدیدها، شیخ‌جنید به اتفاق فرزندان عازم آناتولی شد و به نزد اوزون‌حسن، از امرای آق‌قویونلو، رفت (الحسینی، 1993: 2). پس از مدتی، به اصرار مریدانش به موطن خویش بازگشت و جهانشاه از بیم شورش هواداران کثیر شیخ‌جنید، مانع ورود او به اردبیل نشد (پاشازاده، 1352: 29).

با مرگ شیخ‌جنید، فرزندش شیخ‌حیدر که نزد اوزون‌حسن بود، به جانشینی وی رسید. با شکست

هم‌زمان با دوره ضعف حکومت ایلخانی، امرای دیگری نیز برای تسلط بر آذربایجان به رقابت با یکدیگر پرداختند. در زمان حاکمیت ملک اشرف (744 تا 758 ق/1343 تا 1357 م)، از امرای آل‌چوپان، اردبیل و توابع آن بین امرای حکومت او تقسیم شد (حافظ ابرو، 1380: 200/1). در این دوره، مردم اردبیل و ولایات آن متحمل ظلم و جور فراوانی شدند (میرخواند، 1385: 6343/5). رفتار ناهنجار ملک اشرف باعث پناه‌بردن عده بسیاری از روحانیان منطقه به فرمانروای اردوی زرین در دشت قبچاق شد. این امر بهانه مناسبی بود برای تجاوز به آذربایجان که منجر به تصرف اردبیل شد (حافظ ابرو، 1380: 292/1).

جانشینان او بقایای قلمرو ایلخانان را در اردبیل ویران کردند. در دوره امرای آل‌جلایر (740 تا 814 ق/1340 تا 1411 م)، اردبیل و مغان قلمرو تحت نفوذ آنان بود. به هنگام حکومت سلطان احمد جلایری بر اردبیل (784 تا 813 ق/1382 تا 1410 م)، مشایخ صوفیه از حمایت او برخوردار بودند (سیوری، 1372: 12). در آشوب سیاسی این دوران، به علت فقدان حکومت مرکزی قدرتمند و رقابت امرای متعدد برای کسب قدرت، شهر اردبیل بارها بین مدعیان قدرت دست‌به‌دست شد (سیوری، 1372: 10). به سال 816 ق/1413 م قرايوسف ترکمان، از امرای قراقویونلو، آذربایجان را از دست جلایریان خارج کرده و اردبیل را به امرای ترکمن جاگیرلو واگذار کرد (روملو، 1384: 198/1).

در دوره لشکرکشی‌های امیر تیمور، وی بارها به اردبیل و مغان وارد شد و از آنجا به مناطق دیگر عزیمت کرد (حافظ ابرو، 1380: 885/2). به سال 806 ق/1404 م در حوالی رود ارس حکومت تمام ممالک آذربایجان را به نوادش واگذار کرد (یزدی،

جهانشاه به سال 872ق/1468م و قتل او در جریان نبرد با اوزون‌حسن، سرزمین‌های تحت حاکمیت قراقویونلوها به ترکمن‌های آق‌قویونلو منتقل شد و شیخ حیدر نیز بعد از شکست ابوسعید تیموری و متحد او، حسنعلی میرزا قراقویونلو، از اوزون‌حسن وارد اردبیل شد (خواندمیر، 1380: 85/4). در این درگیری‌ها اردبیل و ولایات تابعه کانون حوادث و توجه مدعیان قدرت بود (سمرقندی، 1383: 977/4 تا 988). شیخ حیدر با استفاده از فرصت بیست سالهٔ برخوردارگی از موقعیت مادی و معنوی پایگاه امن اردبیل، توانست برای ادامهٔ راهی که پدرش در آن از پای درآمده بود، گام‌های بلندی بردارد و کار تحول‌طریقت صفوی را به‌صورت نهضت نظامی به پیش برد. وی تمام تلاش خود را وقف تجهیز پیروان خود کرده بود. بعد از مرگ اوزون‌حسن در سال 883ق/1478م، شیخ حیدر اندک اندک حمایت خاندان حاکم آق‌قویونلو را از دست داد. باین‌حال، سلطان یعقوب آق‌قویونلو تا مدتی با وی مدارا کرد. شیخ حیدر پس از حملات خود به سرزمین چرکس‌ها، با پیروزی در این جنگ‌ها، قسمتی از غنایمی را که با خود آورده بود، در اردبیل بین اهالی تقسیم کرد. قسمتی را نیز صرف تهیهٔ اسلحه و آلات و ادوات جنگی کرد و مابقی را برای حفظ ظاهر و از سر مصلحت، نزد سلطان یعقوب فرستاد (روملو، 1384: 611/1).

با وجود سوءظن به عملیات جنگی شیخ حیدر که در قالب غزای مقدس صورت می‌گرفت، با وساطت مادر شیخ حیدر، فرمان جهاد غزا را حاکم آق‌قویونلو صادر کرد. پیوندهای خویشاوندی میان آق‌قویونلوها و خاندان صفوی وجود داشت؛ اما در جنگ میان حاکم شروان و شیخ حیدر، سلطان یعقوب به حمایت از حاکم شروان پرداخت و سرانجام شیخ حیدر در شروان کشته شد (منشی قزوینی، 1387: 110).

صوفیان پسر بزرگ شیخ حیدر، یعنی سلطان علی را به جانشینی او در اردبیل انتخاب کردند. سلطان یعقوب با آگاهی از این انتخاب و تجمع صوفیان در اردبیل، دستور داد تا علی و دو برادر و مادرش را دستگیر و زندانی کنند. با مرگ سلطان یعقوب و جنگ جانشینی بین مدعیان آق‌قویونلو، رستم میرزا برای غلبه بر رقیب خود کوشید که از نیروی جنگی هواداران صفویه استفاده کند. از این‌رو، فرزندان شیخ حیدر را از زندان آزاد کرد. بعد از غلبه بر دشمنان، رستم میرزا به سلطان علی اجازه داد تا به اردبیل بازگردند. موقعیت سلطان علی نگرانی رستم میرزا را باعث شد. به همین علت مامورانی اعزام کرد و در جنگ میان طرفین، سلطان علی کشته شد. اسماعیل میرزا به‌عنوان جانشین برادرش، به علت تعقیب فرستادهٔ آق‌قویونلو، به لاهیجان گریخت. بعد از چند سال اقامت در گیلان، با استفاده از آشفته‌گی اوضاع آق‌قویونلوها، از پناهگاه خود خارج شد. بعد از تصرف برخی مناطق، به کمک هواداران خود، سپاهیان امیر آق‌قویونلو را شکست داد. با این پیروزی، وی توانست کنترل منطقهٔ آذربایجان را به دست بگیرد و در سال 907ق/1502م، به‌عنوان مؤسس سلسلهٔ صوفیان تاج‌گذاری کند (منشی قزوینی، 1387: 119).

مراکز علمی در اردبیل

با فتح آذربایجان و حاکمیت مسلمانان بر این ایالت، به تدریج دین اسلام در میان مردم نفوذ کرد و رفته‌رفته بر پیروان این دین جدید افزوده شد. در این بین، ساخت مساجد به‌عنوان اولین پایگاه‌های تعلیم و تربیت اسلامی در مناطق مفتوحه، در کانون توجه قرار گرفت. در مناطق مختلف آذربایجان، فعالیت‌های علمی و تعلیمی و تربیتی از سابقهٔ دیرینه‌ای برخوردار بود. طبق بعضی روایت‌های تاریخی، تولد زرتشت در آذربایجان و نگارش اوستا در سبلان بود (مسعودی، 1409: 252/1).

مراکز آموزشی اقدام می‌کردند. مقدسی ضمن گزارش وضعیت آموزش و پرورش اسلامی در ایالت آذربایجان، به وجود مراکز آموزشی از قبیل مساجد جامع، کاروانسراها، دیرها و خانقاه‌ها می‌پردازد و در این بین، به وجود مساجد جامع در بیشتر شهرها و مناطق از جمله اردبیل اشاره می‌کند (مقدسی، 1411: 315 تا 317؛ نیز نک: جوادی، 1383: 33 تا 38).

در قرن هشتم قمری، خانقاه شیخ صفی‌الدین را فرزندش شیخ صدرالدین پایه‌گذاری کرد که بعدها توسعه یافت. خانقاه اردبیل در کانون توجه مریدان و پیروان شیخ صفی و فرزندان او بود و آنان از مناطق مختلف در این محل حضور می‌یافتند. از قرن هشتم قمری این مکان به‌عنوان مرکزی علمی، نقش مهمی در فعالیت عرفا و تربیت شاگردان داشت. در منابع به وجود مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها، به‌عنوان مراکز آموزشی، در اردبیل اشاره‌ای نشده‌است. در دوره‌های متاخر و با آغاز تاسیس مدارس به سبک جدید، مدارس در اردبیل ساخته شد (صفوت، 1394: 65، 82، 83، 85، 86، 192).

نقش اندیشمندان و رجال علم و دین

یکی از منابع اطلاعات درباره‌ی دانشمندان و علما، تاریخ‌نامه‌های محلی و زندگی‌نامه‌های محلی است. تاریخ‌های محلی حاوی اطلاعات جزئی و دقیق درباره‌ی اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی شهرها و نواحی هستند و گاه اطلاعاتی منحصر به فرد درباره‌ی رجال و شخصیت‌های تاریخی به دست می‌دهند (قنوت، 1394: 15). زندگی‌نامه‌های محلی نیز آثاری هستند که موضوع اصلی آن‌ها شرح حال رجال و شخصیت‌های یک شهر یا ناحیه جغرافیایی معین است. این دسته کتاب‌ها که از آن‌ها با عناوینی مانند تراجم، طبقات، معجم‌ها و رجال نیز نام برده می‌شود، به علت تعلق به یک حوزه جغرافیایی خاص، ذیل تاریخ‌های

آتشکده‌های فراوانی در آذربایجان، به‌ویژه آتشکده آذرگشنسب در شیز فعالیت داشت. برخی از نواحی، از جمله مغان، گذشته از انتساب به روحانیان زرتشتی (مغ) از مراکز مهم آموزش و پرورش بود (بیرونی، 1377: 299). بنابراین به علت مناسب بودن زمینه‌های تعلیم و تربیت، مسلمانان عرب در بدو ورود به آذربایجان با استقبال عامه مردم از قرائت قرآن روبه‌رو شدند و به دنبال آن، قاریانی را در برخی از شهرهای آن مقیم کردند. پس از آن در حدود سال 35ق/656م، نخستین مسجد جامع اردبیل را اشعث بن قیس، والی امام علی (ع)، در آذربایجان تأسیس کرد (بلاذری، 1988: 198).

در سه قرن اول قمری، با توجه به مرکزیت اردبیل در ایالت آذربایجان، این مسجد فعالیت علمی و مذهبی چشمگیری از خود نشان داد؛ ولی از اواسط قرن چهارم قمری به بعد، به علت دستیابی روادیان به قدرت و انتقال پایتخت از اردبیل به شهرهای مراغه و تبریز، شهر اردبیل و مسجد جامع به تدریج رونق اولیه خود را از دست داد و دانشمندان برای اقامت در آنجا چندان رغبتی از خود نشان نمی‌دادند. با این همه در دوران اتابکان آذربایجان (540 تا 622ق/1146 تا 1225م)، این مسجد هنوز به‌عنوان مرکزی علمی و مذهبی فعال بود (یاقوت، 1995: 121/2 و 122).

در اوایل قرن هفتم قمری، به‌واسطه یورش اقوام گرجی و در ادامه حملات مکرر مغول به شهر، این مسجد آسیب فراوان دید؛ اما در بین سال‌های 650 تا 680ق/1252 تا 1281م، دوباره مرمت شد. اطلاعات بیشتری در خصوص مراکز علمی اردبیل در دست نیست؛ اما با توجه به جایگاه و اهمیت مسائل فرهنگی، می‌توان گفت که سلسله‌های مختلف به این امر اهتمام می‌ورزیدند که در شهرهای تحت حکومت خویش، مسجد جامع و مساجد دیگر را بنیان گذارند. رجال حکومتی و بزرگان و اعیان شهر نیز به تأسیس مسجد و

نظریه‌ها، در رشد اندیشه اسلامی گام‌های ارزنده‌ای برداشتند. از سرزمین اردبیل، اندیشمندانی در علوم گوناگون پا به عرصه گذاشتند که برای اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی خدمات ارزشمندی انجام دادند. ذکر این نکته لازم است که وقتی از فرهنگ و تمدن اسلامی سخن به میان می‌آید، منظور مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی است که یک تمدن را می‌سازد. در این نگرش، نمی‌توان بین ایران و اسلام جدایی قائل شد. بنابراین در این زمینه، تمام کسانی که در یکی از رشته‌های علوم از ایران و از جمله اردبیل برخاسته و خدمت کرده‌اند، خدمت آن‌ها در جهت رشد فرهنگ و تمدن اسلامی که اسلامی ایرانی است، محسوب می‌شود.

در اینجا قصد نداریم به تفصیل به تراجم مشاهیر اردبیل بپردازیم، بلکه به اختصار به حوزه فعالیت، زمان حیات، رحله‌ها و سفرهای علمی آنان اشاره خواهیم کرد. گفتنی است که به جز معدودی از دانشمندان اردبیل، درباره اکثر علمای این منطقه اطلاعات چندانی در منابع دیده نمی‌شود. اسم‌هایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، به‌طور عمده از منابع مختلف که گاهی ضمن گزارش درباره موضوعی به این افراد اشاره کرده‌اند، جمع‌آوری شده‌است. البته درباره آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه حضور داشته‌اند، اطلاعات بیشتر است؛ اما اطلاعات مبسوطی درباره علمایی که در مراکز علمی منطقه بوده‌اند، در دست نیست. این امر می‌تواند به علت پویانبودن و رونق‌داشتن مراکز علمی اردبیل، حضورنداشتن دانشمندان مناطق دیگر در اردبیل و ارتباط‌نداشتن مراکز علمی منطقه با سایر کانون‌های علمی باشد که باعث می‌شد علمای رجال و تراجم کمتر به آن‌ها توجه کنند.

محلّی قرار می‌گیرند. البته این آثار خود دو دسته‌اند: یکی زندگی‌نامه‌های محلّی دینی و دیگری زندگی‌نامه‌های محلّی غیردینی. موضوع کتاب‌های دسته اول شرح‌حال رجال و علمای دینی به‌خصوص محدثان است؛ اما موضوع دسته دوم شرح‌حال عموم دانشمندان، شعرا یا رجال سیاسی و اشراف یک شهر یا ناحیه جغرافیایی است (قنوات، 1394: 193). از میان تاریخ‌های محلّی شناخته‌شده تا سده هفتم قمری، سه عنوان کتاب به منطقه آذربایجان اختصاص دارد: 1. کتاب تاریخ آذربایجان تألیف ابن‌ابی‌الهیجاء روّاد، نوشته شده در اواخر سده چهارم ق؛ گویا نویسنده خود یکی از امیران سلسله روّادی بوده و به احتمال، کتاب بر حوادث مربوط به تاریخ دولت روّادی تأکید داشته‌است (قنوات، 1394: 125). هیچ نسخه یا حتی نقل‌قول مشخصی از متن کتاب در دست نیست. 2. تاریخ آذربایجان تألیف مختص‌الدین ابوالخیر نعمه‌الله بن محمد سلماسی (مح 540ق/1146م). 3. تاریخ آذربایجان تألیف فخرالدین ابوالفضل اسماعیل بن مثنی تبریزی (مح 580ق/1184م) (قنوات، 1394: 342). در ارتباط با این دو کتاب، این احتمال وجود دارد که مختص‌الدین اثری مستقل نداشته و تنها نسخه‌ای از کتاب اسماعیل بن مثنی را به خط خود فراهم آورده‌است (قنوات، 1394: 341). به‌هرحال، هیچ نسخه و نشانی از این کتاب در دست نیست و از محتوای آن نیز در منابع سخنی به میان نیامده‌است. بدین ترتیب، هیچ اثر تاریخ محلّی یا زندگی‌نامه محلّی در ارتباط با آذربایجان به دست ما نرسیده‌است.

ظهور دانشمندان و متفکران بسیار در آذربایجان، در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و غیراسلامی، در شکوفایی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی مؤثر بود. نام‌آوران و مشاهیر بزرگ با ابداع و ترویج آرا و

اولین فردی که از این منطقه نامش در منابع به چشم می‌خورد، فردی است به نام عمر بن محمد اردبیلی که در سال 181 ق/798 م، ضمن گزارش درباره فردی به نام یعقوب عابد کوفی به نام او اشاره می‌شود (ابن جوزی، 1412: 64/9). از دیگر چهره‌های علمی، حسین بن عمرو اردبیلی و واقد اردبیلی متعلق به قرن سوم هجری هستند که از شیوخ بلاذری، مؤلف شهیر کتاب فتوح البلدان، محسوب می‌شوند (بلاذری، 1988: 26/1).

Archive of SID

Archive of SID

جدول 1: محدثان

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	ابراهیم بن جبرائیل اردبیلی (رافعی، 1984: 135/2).	به احتمال قرن 4
2	ابو محمد جعفر بن محمد بن جعفر اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 158/1؛ الاصفهانی، 1934: 250/1).	قرن 4
3	ابوعیاش اردبیلی (یاقوت، 1995: 204/3).	قرن 4
4	ابن طاهر جعفر بن محمد اردبیلی (یاقوت، 1995: 204/3).	قرن 4
5	نصر بن منصور اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 158/1؛ ذهبی، 1413: 149/27).	قرن 4
6	ابوبکر احمد بن الحسین اللجام اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 207/11).	به احتمال قرن 4
7	حفص بن عمر اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 169/6؛ یاقوت، 1995: 381/1).	قرن 4
8	محمد بن خلاد اردبیلی (سهمی، 1407: 335).	به احتمال قرن 4
9	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی (موسوی، 1379: 95/2).	قرن 5
10	ابوعلی الحسن بن ابی الحسن البرزندی (موسوی، 1379: 159/2).	به احتمال قرن 5
11	احمد بن یوسف اردبیلی کسائی (سمعانی، 1382ق: 169/6، 207/11).	به احتمال قرن 5
12	ابو منصور صالح بن بدیل بن علی برزندی اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 158/2؛ یاقوت، 1995: 124/1).	قرن 5
13	ابو تراب عبدالباقی بن یوسف نریزی (یاقوت، 1995: 280/5؛ ابن ابی الوفاء، 1413: 293؛ ابن اثیر، بی تا: 222/2).	قرن 5
14	ابو عبدالله محمد بن احمد بن اسماعیل بن رواد اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 491/10).	قرن 5
15	ابو القاسم حفص بن عمر اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 131/7؛ یاقوت، 1995: 381/1؛ ابن عماد، بی تا: 207/4).	به احتمال قرن 5
16	یوسف بن محمد اردبیلی (ذهبی، 1413: 78/33).	قرن 5
17	مفرح بن حسین اردبیلی (ذهبی، 1413: 344/33).	قرن 5
18	هبه الله بن عبدالله بن هبه الله بن احمد اردبیلی (موسوی، 1379: 348/2).	قرن 5
19	ابوهشیم بن حمدون الاشحی (سمعانی، 1382ق: 157/2).	قرن 5
20	منصور بن ناصر اردبیلی (رافعی، 1984: 314/3).	به احتمال قرن 5
21	ناصر بن ابراهیم اردبیلی (رافعی، 1984: 314/3).	به احتمال قرن 5
22	ناصر بن منصور غازی اردبیلی (رافعی، 1984: 314/3).	به احتمال قرن 5
23	احمد بن عثمان نریزی اردبیلی (یاقوت، 1995: 281/5).	به احتمال قرن 5
24	ابو القاسم محمود بن یوسف بن حسین برزندی (سمعانی، 1382ق: 158/2).	قرن 6
25	مصلح الدین ابو عمرو مسعود بن علی بن حسین اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 670/4).	قرن 6

26	موهوب اردبیلی (موسوی، 1379: 311/2).	به احتمال قرن 6
27	احمد بن تمیم خلخالی (ابن فوطی، 1963: 321/2).	؟
28	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم، الامام نجم الدین ابوالنعمان هاشمی جعفری اردبیلی (ذهبی، 1993: 248/13؛ السیوطی، بی تا (ب): 8؛ السبکی، بی تا: 52/5؛ حاجی خلیفه، بی تا: 460).	قرن 6 و 7
29	محمد بن عبدالجلیل بن عبدالکریم، جمال الدین ابوعبدالله مغانی (صفدی، 1420: 216/3؛ ابن حجر، 1385ق: 493/3؛ ابن عماد، بی تا: 316/5).	قرن 6 و 7
30	عضد الدین ابوالفتح نصرالله بن عماد الدین احمد بن اسماعیل کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 650/4).	به احتمال قرن 7
31	سعد بن ابراهیم بن حسن بن علی بن علی اردبیلی (موسوی، 1379: 311/2).	قرن 7
32	سید محمد بن ابی سعید حسنی اردبیلی	قرن 7
33	اسماعیل بن احمد بن محمود بدری اردبیلی؛ صاحب اثر (حاجی خلیفه، بی تا: 198/1).	قرن 8
34	ابوالفرج اردبیلی (ابن حجر، 1385ق: 220/3).	قرن 8
35	شیخ عبدالعزیز اردبیلی (الحسینی، 1383ق: 44/4؛ ابن بطوطه، 1376: 44/2).	قرن 8
36	تاج الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی؛ صاحب تالیفات (ابن حجر، 1385ق: 72/3؛ السیوطی، بی تا (الف): 339؛ حاجی خلیفه، بی تا: 626؛ السبکی، بی تا: 146/6).	قرن 8
37	سنان الدین یا جمال الدین یوسف بن امام عزالدین ابراهیم یا یوسف بن عبدالله هل آبادی اردبیلی؛ صاحب تالیفات (ابن عماد، بی تا: 104/9).	قرن 8
38	ابوبکر محمد بن عبدالله اردبیلی (ابن العدم، 1408: 606/2).	قرن 9

جدول 2: فقها (شافعی و حنفی)

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 4	ابوالحسین یعقوب بن موسی اردبیلی (سمعانی، 1382ق: 157/1؛ بغدادی، 1417: 297/14؛ ابن العدم، 1408: 3823/8).	1
قرن 4	احمد بن طاهر اردبیلی (سهمی، 1407: 160).	2

قرن 5	ابوعمر و مسعود بن علی اردبیلی (ابن المستوفی، 1980: 139/1).	3
قرن 5	فریدالدین ابوالحسن محمد بن ابراهیم بن حسین اردبیلی (ذهبی، 1413: 30/194؛ ابن فوطی، 1963: 465/3).	4
قرن 5	بدیل بن علی برزندی (یاقوت، 1995: 124/1).	5
قرن 5	عفیف الدین ابوالقاسم یوسف بن محمد بن یوسف اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 554/4).	6
قرن 5	هبه الله بن عبدالله بن احمد بن جعفر کمونی اردبیلی (رافعی، 1984: 309/3).	7
به احتمال قرن 7	علاء الدین ابوالعباس احمد بن داود بن خالد خونجی (ابن فوطی، 1963: 993/4).	8
قرن 7	محمد بن احمد بن محمد ابوالفضل اردبیلی (السبکی، بی تا: 154/5).	9
قرن 7 و 8	تاج الدین امام علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، 1385: 72/3؛ السیوطی، بی تا (الف): 339؛ حاجی خلیفه، بی تا: 626؛ السبکی، بی تا: 146/6).	10
قرن 8	سنان الدین یا جمال الدین یوسف بن امام عز الدین ابراهیم یا یوسف بن عبدالله هل آبادی اردبیلی؛ صاحب تألیفات (ابن عماد، بی تا: 104/9؛ ابن حجر، 1385: 484/5؛ حاجی خلیفه، بی تا: 195/1).	11
قرن 8	شیخ فرج الله اردبیلی (اسنوی، 1422: 31؛ ابن حجر، 1385: 230/3؛ السبکی، بی تا: 246/6؛ حاجی خلیفه، بی تا: 74؛ بغدادی، بی تا (الف): 408/1).	12
قرن 8	ابو محمد نور الدین فرج بن محمد بن احمد بن ابی الفرج اردبیلی؛ صاحب تألیفات (ابن حجر، 1385: 220/3؛ نعیمی، 1410: 173/1؛ السبکی، بی تا: 246/6؛ بغدادی، بی تا (الف): 408/1؛ بغدادی، بی تا (ب): 816/1).	13
قرن 8	شیخ سراج الدین حمزه اردبیلی (موسوی، 1379: 171/1).	14
قرن 8	شیخ عبدالعزیز اردبیلی (الحسینی، 1383: 44/4؛ ابن بطوطه، 1376: 44/2).	15
قرن 8	کمال الدین موسی بن عبدالله بن محمود بن اسماعیل بن کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 231/5).	16
قرن 9	جلال الدین عبیدالله بن عبدالله اردبیلی (ابن عماد، بی تا: 103/10).	17
قرن 9	ابراهیم بن محمد اردبیلی (سناوی، 1412: 79/8).	18
قرن 9	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد شهاب بن جلال بن تاج اردبیلی؛ شیروانی القاهری (سناوی، 1412: 376/1).	19
قرن 9	محمد بن عبدالکریم بن محمد اردبیلی قاهری (سناوی، 1412: 74/8).	20
قرن 9	شیخ علاء الدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی؛ صاحب اثر (مجیرالدین، 1388: 212/2).	21

جدول 3: مفسران

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 7 و 6	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم اردبیلی؛ صاحب آثار (ذهبی، 1993: 284/13؛ السیوطی، بی تا (ب): 8؛ السبکی، بی تا: 52/5؛ حاجی خلیفه، بی تا: 460).	1
قرن 8	احمد بن محمد بن مزید اردبیلی؛ صاحب اثر (موسوی، 1379: 373/2).	2
قرن 8	تاج الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، 1385ق: 72/3؛ السیوطی، بی تا (الف): 339؛ حاجی خلیفه، بی تا: 626؛ السبکی، بی تا: 146/6).	3
قرن 9	جمال الدین عبدالله بن محمد بن حسن بن خضر اردبیلی کورانی (سیوطی، 1927: 121).	4

جدول 4: حفاظ

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 4	حفص بن عمر (ابن عماد، بی تا: 349/2؛ صفدی، 1420: 93/12؛ ابن حجر، 1385ق: 72/3؛ السیوطی، 1418: 135/1؛ بغدادی، بی تا (الف): 424/2؛ ذهبی، بی تا (الف): 65/3).	1
قرن 4	نصر اردبیلی (اصفهانی، 1934: 250/1).	2
قرن 5	احمد بن عثمان نریزی (نیری) (یاقوت، 1995: 281/5).	3
قرن 8 و 9	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد الشهاب بن الجلال بن التاج اردبیلی؛ شیروانی قاهری (سخاوی، 1412: 376/1).	4

جدول 5: عرفا و متصوفه

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 3	شیخ ابوسعید اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 91).	1
قرن 3	شیخ فرج اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 91، 844).	2
قرن 4 و 5	ابو ذرعه عبدالوهاب بن محمد بن ایوب اردبیلی (سمعانی، 1382: 158/1).	3
قرن 4	علی بن حفص اردبیلی (ذهبی، 1413: 421/26).	4
قرن 4	ابی... الاربدیلی (مقدسی، 1411: 379).	5
قرن 5	بابا قلی اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 95).	6
قرن 6	پیرمادر (ابن بزاز، 1376: 758).	7
قرن 6	پیرزرگر (ابن بزاز، 1376: 840).	8
قرن 6	پیرشمس الدین (ابن بزاز، 1376: 845).	9
قرن 6	پیرعبدالملک (ابن بزاز، 1376: 850).	10

11	پیر عبدالله (ابن بزاز، 1376: 910).	به احتمال قرن 6
12	مولانا مجدالدین کاکلی اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 771).	قرن 6
13	ابوموسی اردبیلی (راغب، بی تا: 87).	به احتمال قرن 6
14	عمر بن محمد بن خضر اردبیلی صوفی؛ صاحب اثر (بغدادی، بی تا الف): (708/2).	قرن 6
15	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم اردبیلی (ذهبی، 1993: 284/3؛ حاجی خلیفه، بی تا: 460).	قرن 6 و 7
16	شیخ رکن محی الدین اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 91).	قرن 7
17	خواجه کمال الدین عرشاه اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 75).	قرن 7
18	تاج الدین اردبیلی؛ صاحب آثار (ابن بزاز، 1376: 843).	قرن 7
19	مولانا نصیر الدین اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 186).	قرن 7
20	ابوالفتح شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 3، 4، 7).	قرن 7 و 8
21	پیر بدر نمینی (موسوی، 1379: 136/1).	قرن 7
22	شرف الدین ابی شرف الدین ابو عبدالله اردبیلی (صفدی، 1420: 264/2).	قرن 7
23	پیره ابوبکر بیانی موقانی (ابن بزاز، 1376: 842).	قرن 7
24	صدر الدین موسی: فرزند صفی الدین (ابن بزاز، 1376: 1179).	قرن 8
25	شیخ صلاح الدین رشید (ابن بزاز، 1376: 102، 96، 80).	قرن 8
26	پیره ابراهیم صابونی اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 757).	قرن 8
27	پیره احمد اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 1170).	قرن 8
28	پیره اسماعیل اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 1179).	قرن 8
29	پیره سلیمان موقانی (ابن بزاز، 1376: 1173).	قرن 8
30	حسن بن علی خانقاهی (موسوی، 1379: 151/1).	قرن 8
31	موفق الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن عبدالمومن خلخالی (ابن فوطی، 1963: 243/5).	قرن 8
32	مولانا نجم الدین پیره اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 311).	قرن 8
33	مولانا شمس الدین اقیمونی اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 64، 66).	قرن 8
34	مولانا جمال الدین اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 667).	قرن 8
35	پیره ملک شاه عموقینی اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 755).	قرن 8
36	شمس الدین کاسه گر اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 409).	قرن 8
37	مولانا شمس الدین توکلی واعظ اردبیلی (ابن بزاز، 1376: 806).	قرن 8
38	سلطان علی بن صدر الدین موسی (آقابزرگ الطهرانی، 1403: 759/9).	قرن 8 و 9

قرن 9	شیخ ابراهیم معروف به شاه‌شیخ (سیوری، 1372: 15).	39
قرن 9	ام‌کلثوم اردبیلی (سخاوی، 1412: 38/12).	40

جدول 6: اطبا

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 6	ابوالفرج بن عبدالرحمان اردبیلی (قزوینی، 1373: 343).	1
قرن 7	افضل‌الدین محمد بن نام‌آور بن عبدالملک خونجی (ابن ابی‌اصیبغه، بی تا: 586).	2
قرن 8	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر اردبیلی (ابن حجر، 1385 ق: 72/3؛ سیوطی، بی تا (الف): 339؛ حاجی خلیفه، بی تا: 626؛ السبکی، بی تا: 146/6).	3
قرن 9	سعدی اردبیلی (موسوی، 1379: 196/1).	4
به احتمال قرن 9	اویس بن محمد (موسوی، 1379: 108/1).	5

جدول 7: مورخان

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 3	حسین بن عمرو اردبیلی (بلاذری، 1988: 26/1).	1
قرن 3	واقد اردبیلی (بلاذری، 1988: 26/1).	2
نیمه قرن 8	علاء‌الدین علی بن عیسی اردبیلی؛ صاحب آثار (حاجی خلیفه، بی تا: 1492/2).	3

جدول 8: شعرا

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن 6	ابونصر جنید بن اسماعیل بن علی بن اسماعیل اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 494/4).	1
قرن 6	اثیرالدین اخیسکتی خلخالی (سمرقندی، 1337: 135).	2
قرن 7	بانو باغبان (ابن بزاز، 1376: 220).	3
قرن 7	علی بن عثمان اردبیلی؛ صاحب اثر (موسوی، 1379: 114/2).	4
قرن 8	شیخ نجم‌الدین اردبیلی (موسوی، 1379: 316/2).	5
قرن 8	محتی اردبیلی (سام‌میرزا، 1384: 145).	6
قرن 8	شمس‌الدین محمد لطیفی اردبیلی (موسوی، 1379: 248/2).	7
قرن 9	کمال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق متخلص به الهی (خوانساری، 1411: 185/4).	8
احتمالا قرن 9	اویس بن محمد (موسوی، 1379: 108/1).	9

10	عمادالدین ابوالمظفر محمد بن عمر بن احمد بن محمد اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 325/4).	قبل از قرن 8
11	وارثی اردبیلی (موسوی، 1379: 344/2).	اواخر قرن 9

جدول 9: ادبا و نحوین

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	جمال الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی - النحوی؛ صاحب تالیفات (آقابزرگ طهرانی، 1403: 115/13).	قرن 7
2	سعدالدین وراوینی (وراوی نام قدیم مشگین شهر است) صاحب اثر (یاقوت، 1995: 370/5).	قرن 6 و 7
3	محمد اردبیلی (شارح قصیده مقصوده ابن درید) (موسوی، 1379: 238/2).	قرن 8

جدول 10: خطبا

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	عارف اردبیلی (موسوی، 1379: 217/1؛ تربیت، بی تا: 251).	قرن 8
2	شمس الدین محمد بن مظفر «خطیب خلخالی»؛ صاحب آثار (السیوطی، بی تا(الف): 106؛ ابن عماد، بی تا(الف): 144/6؛ بغدادی، بی تا(ب): 153/2؛ بغدادی، بی تا(الف): 334/1؛ حاجی خلیفه، بی تا: 1855/2).	قرن 8

جدول 11: فلاسفه

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	افضل الدین محمد بن نام آور بن عبدالملک خونجی؛ صاحب تالیفات (ابن ابی اصیبعه، بی تا: 586).	قرن 7
2	تاج الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، 1385 ق: 72/3).	قرن 8
3	ابو جعفر محمد بن موسی اردبیلی؛ صاحب اثر (آقابزرگ الطهرانی، 1403: 241/20).	قرن 8
4	محمد بن احمد بن محمد بن هلال بن ابراهیم اردبیلی قاهری (سخاوی، 1412: 98/7؛ بغدادی، بی تا(الف): 466/2).	قرن 9

جدول 12: ریاضیدانان

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	شرف الدین ابی شرف الدین ابو عبدالله اردبیلی (صفدی، 1420: 264/2).	قرن 7

2	موفق‌الدین ابونصر عبدالمحسن بن عبدالله بن ابی اسحاق اردبیلی (موسوی، 1379: 100/2).	؟
3	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، 1385ق: 72/3؛ السیوطی، بی تا (الف): 339؛ حاجی خلیفه، بی تا: 626؛ السبکی، بی تا: 146/6).	قرن 8

جدول 13: قضات

ردیف	عنوان	دوره زمانی
1	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی (موسوی، 1379: 95/2).	قرن 5
2	ابوالفرج بن عبدالرحمان اردبیلی (قزوینی، 1373: 343).	قرن 6
3	عمادالدین احمد بن اسماعیل کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، 1963: 655/2).	؟
4	عطاءالله بن قاضی علاءالدین منصور کاکلی (موسوی، 1379: 108/2).	به احتمال قرن 7
5	خواجه نجم‌الدین بن شمس‌الدین خطیبی اردبیلی (موسوی، 1379: 316/2).	قرن 8
6	اسحاق اردبیلی؛ صاحب اثر (کخاله، 229/2).	حدود قرن 9
7	اویس بن محمد (موسوی، 1379: 108/1).	به احتمال قرن 9

جدول 14: مدرسان اردبیلی در مراکز علمی جهان اسلام

ردیف	عنوان	زمان / مکان
1	محمد بن احمد بن محمد ابوالفضل اردبیلی (السبکی، بی تا: 154/5).	قرن 7؛ مدرسه کمالیه بغداد
2	ابو محمد نورالدین فرج بن محمد بن ابی الفرج اردبیلی (النعیمی، 1410: 172/1).	قرن 8؛ در مراکز علمی دمشق؛ مدارس ظاهریه البرانیه؛ جاروخیه؛ نصریه جوانیه
3	تاج‌الدین امام علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن عماد، بی تا: 256/8؛ ابن تغری، بی تا: 145/10).	قرن 8؛ در مراکز علمی بغداد و قاهره؛ مدرسه امیر حسام‌الدین طرنطای المنصوری قاهره
4	شمس اردبیلی (ابن کثیر، 1407: 149/14).	قرن 8؛ مدرسه جاروخیه دمشق
5	الشیخ تاج‌الدین (النعیمی، 1410: 88/1).	قرن 8؛ مدرس در دارالحدیث نصریه دمشق
6	عزالدین عمر اردبیلی (النعیمی، 1410: 36/1).	قرن 8؛ مدرسه جاروخیه دمشق
7	بدرالدین محمود بن عبیدالله اردبیلی (الحلبی، 1417: 168/2).	قرن 9؛ جلسات درس در مسجد جامع حلب
8	کمال‌الدین محمد بن میر جمال‌الدین بن قلی درویش اردبیلی (موسوی، 1379: 226/2).	قرن 9؛ مدرسه رواجیه حلب

9	محمد بن الشیخ ادریس اردبیلی (الحلبی، 1417: 186/2).	قرن 9؛ مدرس در حلب
10	شیخ بدرالدین محمود بن عبیدالله اردبیلی (الحلبی، 1417: 186/2)	قرن 9؛ مدرس در حلب
11	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد شهاب بن جلال بن تاج اردبیلی؛ شیروانی القاهری (سخاوی، 1412: 376/1).	قرن 9؛ مدرسه ایتمیه و ابوبکریه و ام السلطان قاهره
12	محمد بن احمد بن محمد بن هلال بن ابراهیم اردبیلی قاهری (الحلبی، 1417: 98/7).	مدرس در قاهره
13	شیخ علامه علاءالدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی (مجیرالدین، 1388ق: 212/2).	قرن 9؛ مدرس در مسجد خلیل الرحمن (ع) اردن
14	افضل الدین محمد بن نام آور بن عبدالملک خوئجی (ابن ابی اصیبعه، بی تا: 586).	قرن 7؛ قاضی القضاة در مصر
15	شیخ فرج الله اردبیلی (ابن عماد جنبلی، بی تا: 104/9؛ ابن حجر عسقلانی، 1385ق: 484/5).	قرن هشتم؛ مدرس در دمشق

رحله‌های علمی

از موضوعات درخور توجه در تمدن اسلامی، رحله‌ها و مسافرت‌هایی است که علما و دانشمندان برای فراگیری علوم انجام می‌دادند. بعضی از مناطق به‌واسطه دارابودن مراکز علمی معتبر و دانشمندان صاحب نام، در کانون توجه تعداد بیشتری از علما و مشاهیر مناطق دیگر بود؛ از جمله حوزه‌های درسی بغداد، نیشابور و دمشق. علما و دانشمندان اردبیل همانند دانشمندان سایر مناطق، برای کسب دانش و برخورداری از امکانات مراکز علمی معتبر، اقدام به سفر و اقامت در آن شهرها می‌کردند. تا قبل از حمله مغول و در دوران شکوفایی مراکز علمی مانند بغداد، علمایی از اردبیل به این منطقه می‌رفتند و در آنجا سکنی می‌گزیدند و گاه از چهره‌های علمی محسوب می‌شدند.

علاوه بر فرازونشیب‌های سیاسی، با توجه به اینکه مراکز علمی منطقه رونق چندانی نداشته و جاذبه‌ای برای حضور علمای مناطق دیگر نداشت، برای کسب علم دست به مهاجرت می‌زدند. بخش دیگری از این رحله‌های علمای اردبیل، به دنبال حمله مغول و ویرانی مراکز علمی بود. به علت تخریب و افول حوزه‌های علمی شرق جهان اسلام و با توجه به پیروزی دولت اسلامی ممالیک در مقابله با مغولان و رونق مراکز علمی قاهره و حلب و دمشق، یعنی مناطق تحت نفوذ ممالیک، به آن مناطق مهاجرت می‌کردند و تعدادی از آنان، صاحب کرسی تدریس و جلسات آموزش و بحث بودند. در ذیل به مناطق و تعداد افرادی که به این مناطق مهاجرت کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

ردیف	مکان	تعداد
1	بغداد	11 نفر
2	قاهره	7 نفر
3	دمشق	6 نفر

4	حلب	3 نفر
5	موصل	1 نفر
6	اردن	1 نفر
7	اصفهان	1 نفر
8	شیراز	1 نفر
9	مکه	4 نفر
10	مسجد الاقصی	1 نفر
11	نیشابور	3 نفر
12	خراسان	2 نفر
13	کوران اسفرائین	انفر
14	ماوراءالنهر	1 نفر
15	دهلی	2 نفر
16	عثمانی	3 نفر

حضور شخصیت‌های علمی مناطق دیگر در اردبیل

طبیعی است که حضور

شخصیت‌های علمی مناطق دیگر می‌توانست رونق و غنای مراکز علمی منطقه را باعث شود. تنها اشاره‌ای به تعدادی از چهره‌های علمی که برای مدت کوتاهی در اردبیل اقامت داشته یا از منطقه عبور کرده‌اند، شده‌است. از بارزترین شخصیت‌هایی که وارد اردبیل شده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: حکیم سعدالدین نزاری بیرجندی قهستانی از شاعران معروف قرن هفتم قمری (صفا، 1357: 130/2)، شیخ ابوالمکارم رکن‌الدین علاءالدوله بیابانکی سمنانی از بزرگان صوفیه و از شاعران و نویسندگان قرن هفتم و هشتم قمری (صفا، 1357: 142/2)، نجم‌الدین

ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهوار
الاسدی الرازی معروف به دایه
و متخلص به نجم، از صوفیان

مشهور نیمه اول قرن هفتم و از جمله نویسندگان معروف (صفا، 1357: 212/2)، ابوحامد اندلسی و علاءالدین عطاملک جوینی که چندین بار در رکاب مغولان وارد اردبیل و ولایات آن شدند (صفا، 1357: 142/2).

آثار و تألیفات دانشمندان اردبیل

برخی از دانشمندان و علمای این منطقه صاحب تألیفاتی بوده‌اند که گاه از آثار فاخر و در کانون توجه محافل علمی بوده‌است (مستندات این قسمت در جداول پیشین اشاره شده‌است)

ردیف	عنوان	تالیفات
1	جمال‌الدین یوسف بن امام عزالدین ابراهیم اردبیلی	صاحب کتاب الازهار فی شرح المصابیح بغوی؛ الانوار الاعمال الابرار در فقه شافعی.
2	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر اردبیلی	کتاب بزرگی را در احکام گردآوری کرده و علوم حدیث ابی‌الصالح را تلخیص و احادیث المیزان ذهبی را تنقیح کرده و

	بر اساس ابواب فقهی در تفسیر قرآن مجید و علم حدیث و اصول کتاب تصنیف کرد.	
3	صاحب کتاب حقایق الاصول فی شرح منهاج الوصول بیضاوی در اصول فقه؛ شرح قطعه‌ای از منهاج الطالبین در فروع شافعی.	ابو محمد نورالدین فرج بن محمد بن احمد بن ابی الفرج اردبیلی
4	مؤلف کتاب صفوه الصفا.	ابن بزّاز
5	از آثار وی تفسیر کبیر در چند مجلد؛ احاسن الکرام؛ اربعون حدیث فی امور الدین.	بشیر بن حامد بن سلیمان اردبیلی
6	صاحب کتاب انیس القلوب و غایه المطلوب در ادعیه و اذکار.	اسماعیل بن احمد بن محمد بدری اردبیلی
7	دارای آثاری همچون حاشیه بر انوار التنزیل بیضاوی در تفسیر؛ الانوار در فقه شافعی؛ شرح انموذج زمخشری در نحو؛ رساله القلمیه.	جمال الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی
8	صاحب آثاری همچون شرح مصابیح امام بغوی به عنوان تنویر؛ شرح مفتاح العلوم سکاکی؛ شرح مختصر المنتهی و مختصر ابن الحاجب؛ شرح تلخیص المفتاح قزوینی در معانی و بیان.	خطیب خلخالی
9	صاحب کتاب‌های موجز؛ جمل و کشف الاسرار که هر سه از کتاب‌های مهم منطق محسوب شده و علما شروح و تعلیقات بسیاری بر آنها نوشته‌اند. از دیگر تالیفات وی شرحی است بر کلیات قانون ابن سینا؛ رساله‌ای در دور وصایا دارد که در آن یکی از مسائل پیچیده ارثی را حل کرده است.	افضل الدین محمد بن نام‌آور بن عبدالملک خونجی
10	صاحب رساله علی‌الاشباه و النظائر.	اسحاق اردبیلی
11	صاحب کتاب فوائد.	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی
12	مؤلف کتابی در علم بدیع به نام البدیعیه.	علی بن عثمان اردبیلی
13	صاحب کتاب وصول الغمر الی اصول قرائه ابی عمر.	شیخ علامه علاء الدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی
14	صاحب تالیفات نزهه الاخبار فی ابتداء الدنیا و قدر القوی الجبار؛ نبذه فی ذکر النیل و عجائبه؛ مختصر کشف الغمه فی معرفه الاثمه.	علاء الدین علی بن عیسی اردبیلی
15	صاحب تالیفی در زمینه تفسیر.	احمد بن محمد بن مزید اردبیلی
16	صاحب تالیفات الشافی فی الاخلاق؛ اسرار الحکمه در حکمت عملیه؛ مداوات النفوس در حکمت عملیه.	ابو جعفر محمد بن موسی اردبیلی
17	صاحب کتاب وسیله المتعبدين فی سیره سید المرسلین.	عمر بن محمد بن خضر اردبیلی
18	مترجم کتاب مرزبان‌نامه از زبان طبری به زبان فارسی.	سعد الدین وراوینی

نقش تربیتی دانشمندان اردبیل

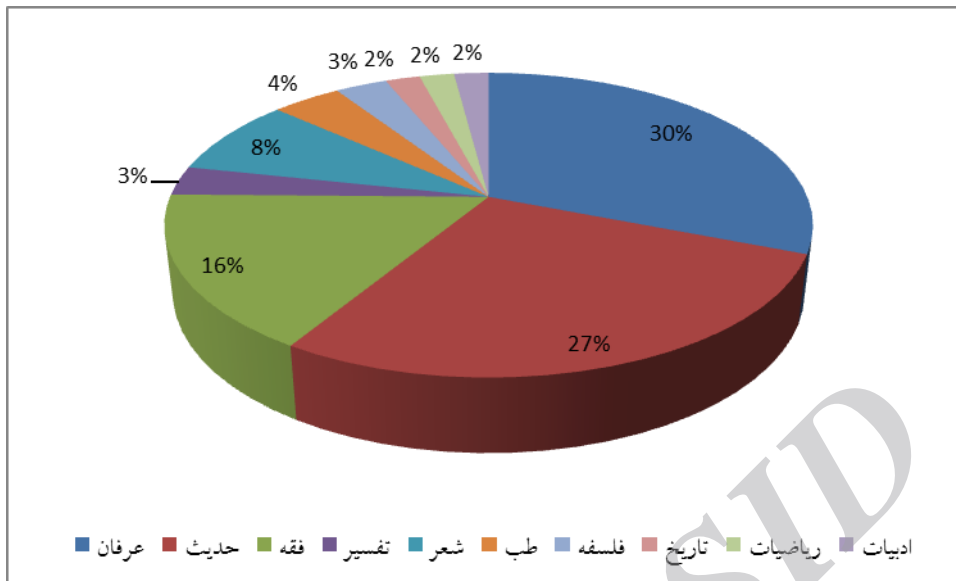
مناطق مختلف بودند، شاگردانی در محضر آنها حضور می‌یافتند؛ همچنین به نقل حدیث از برخی محدثان اردبیلی اشاره‌ای کوتاه شده‌است. در این میان، شیوخ خانقاه شیخ صفی‌الدین نیز در تربیت شاگردان در زمینه عرفان و تصوف تاثیرگذار بوده‌اند.

در ارتباط با نقش دانشمندان اردبیل در تربیت شاگردان، اطلاعات بسیار اندکی در منابع وجود دارد. در این میان، به اسامی شاگردان و چگونگی ارتباط آنان با اساتید اشاره‌ای نشده‌است. تنها از برخی عبارت‌ها می‌توان دریافت که آن دسته از دانشمندان اردبیل که صاحب کرسی تدریس در مراکز علمی

ردیف	عنوان	نقش تربیتی
1	شرف‌الدین اردبیلی	جمع کثیری از محضر او استفاده می‌کردند.
2	ابوعیاش اردبیلی	جعفر بن محمد اردبیلی از وی روایت نقل کرده‌است.
3	ابوتراب عبدالباقی بن یوسف نیریزی	در نیشابور صاحب کرسی بود.
4	احمد بن طاهر اردبیلی	از وی احادیثی نقل شده‌است.
5	بشیر بن حامد اردبیلی	عده‌ای از او روایت کرده‌اند.
6	خواجه کمال‌الدین عربشاه اردبیلی	مراد و مرشد شیخ سید امین‌الدین جبرائیل، پدر شیخ صفی‌الدین.
7	ابوموسی اردبیلی	از مشایخ صوفیه بوده‌است.
8	شیخ صفی‌الدین اردبیلی	افراد بسیاری از سراسر سرزمین‌های اسلامی برای درک محضر شیخ روانه اردبیل شدند
9	صدرالدین موسی، فرزند شیخ صفی‌الدین	علوم دینی و تفسیر قرآن تدریس می‌کرد.
10	خواجه علی سیاهپوش	به ارشاد خلائق اشتغال داشت.
11	شیخ ابراهیم، شیخ جنید، شیخ حیدر	رهبری معنوی و سیاسی و اجتماعی مریدان و منطقه نفوذ خود را عهده‌دار شدند؛ تاجایی که بزرگ‌ترین چهره علمی و معنوی غیر صفوی اردبیل در قرن نهم و دهم قمری، یعنی خواجه کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی، در جوانی تحت تربیت شیخ حیدر واقع شد و سپس به اشاره شیخ حیدر به استادان دیگر مراجعه کرد.
12	تمام مدرسان و اساتیدی که در جدول شماره 14 به آنها اشاره شده‌است.	مدرسان اردبیلی که در مدارس و مراکز علمی مناطقی همچون بغداد، دمشق، حلب و قاهره مشغول تدریس و تربیت شاگردان بودند.

تحلیل نمودار

سهم اندیشمندان اردبیل در علوم دینی و غیردینی



سر تصاحب منطقه و حملات اقوام مختلف از ابتدای ورود اسلام تا سرتاسر دوره موضوع بحث، باعث شده بود تا عمده توان دولت‌های منطقه صرف مقابله با گروه‌های رقیب و دفع حملات باشد. شاید بتوان گفت همین امر به نوعی امنیت سیاسی منطقه را تهدید می‌کرد. آرامش لازم و پایدار برای اهالی وجود نداشت و مردم مدام شاهد نزاع‌ها و لشکرکشی‌ها بودند. امری که در بیشتر مناطق ایران در دوره‌های مختلف وجود داشته‌است. در بُعد درونی، باید توجه کرد که اردبیل از حیث فعالیت‌های علمی و تعلیمی و تربیتی از سابقه دیرینه برخوردار بوده‌است (مسعودی، 1409: 252/1)؛ اما در دوره اسلامی، مراکز علمی اردبیل در مقایسه با مراکز علمی مناطقی همچون خراسان، سمرقند، بخارا، نیشابور، بلخ، مرو، هرات، نسیف، فارس، اصفهان، جرجان و ری نام و آوازه و شهرتی نداشته‌است. حضور تعداد کثیری از علما و دانشمندان در این مناطق، با استناد به منابع رجال و تراجم و زندگی‌نامه‌های محلی، اثبات‌کردنی است. این بدان معنا نیست که اردبیل مراکز علمی نداشته یا فاقد چهره‌های علمی بوده‌است؛ ولی در مقایسه با کانون‌های

با توجه به نمودار فوق، نخست می‌توان دریافت که عمده فعالیت دانشمندان منطقه در زمینه علوم دینی و به ترتیب در حوزه‌های عرفان و تصوف، حدیث، فقه و تفسیر متمرکز بوده‌است. در حوزه علوم غیردینی نیز در زمینه شعر، طب، فلسفه، تاریخ، ریاضیات و ادبیات به مطالعه و پژوهش پرداخته‌اند؛ اما در مجموع باید گفت که دانشمندان اردبیل در رشد و بالندگی علوم اسلامی، به‌ویژه عرفان و حدیث، نقش بیشتری داشته و با فعالیت در این حوزه و تألیف آثار و تربیت شاگردان بر غنای این دسته از علوم افزوده‌اند.

دوم در بحث از وضعیت فرهنگی اردبیل و جایگاه این منطقه در تمدن اسلامی، با توجه به کمبود اطلاعات، نمی‌توان به تفصیل و به‌صورت جزئی و عینی درباره عوامل تاثیرگذار اظهار نظر کرد. به نظر می‌رسد که در بررسی این موضوع، باید به دو دسته عوامل بیرونی و درونی توجه کرد. در بُعد بیرونی، باید به موقعیت جغرافیایی و وضع سیاسی منطقه اشاره کرد. به علت موقعیت ژئوپولیتیک منطقه در ادوار مختلف، این سرزمین معبر اقوام و گروه‌های بسیار بوده‌است. رقابت بر

اردبیل، به علت نبود ثبات سیاسی و از سوی دیگر پویانبودن مراکز علمی اردبیل و نیز جاذبه‌های مراکز علمی بزرگ و ضرورت انجام رحله‌های علمی، مهاجرت‌هایی به مناطق مختلف صورت گرفت. در شرق جهان اسلام، حمله مغول ویرانی شهرها و تخریب مراکز علمی را به دنبال داشت؛ اما دولت ممالیک در غرب جهان اسلام توانست حملات مغولان را متوقف کند. پس از آن، منطقه شام و مصر در اختیار دولت ممالیک باقی ماند. در فاصله قرون هفتم تا نهم قمری، حضور تعدادی از رجال و دانشمندان اردبیل در مراکز علمی حلب و دمشق و قاهره و در اختیارداشتن کرسی تدریس و تعلیم و ذکر نام برخی از آنان در تواریخ محلی این مناطق، از مهاجرت نخبگان اردبیل به این مناطق حکایت دارد.

نتیجه

حدود دو قرن بعد از ورود اسلام به ایران، به علت سیاست خلفا، ایرانیان در مناسبات سیاسی و فرهنگی نقش چندانی نداشتند. با آغاز خلافت عباسیان و نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت، روند شکل‌گیری تمدن اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. ایرانیان به‌همراه سایر اقوام و ملل، در شکل‌گیری تمدن اسلامی تأثیرگذار بودند. مناطق مختلف ایران با توجه به وضع سیاسی و پیشینه فرهنگی در این امر سهم بردند. با توجه به کمبود اطلاعات در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی، توجه به تراجم علما و دانشمندان می‌تواند در بررسی وضعیت فرهنگی مناطق مؤثر باشد. با بررسی تراجم دانشمندان اردبیل روشن می‌شود که عمده فعالیت‌های علمی علمای منطقه در زمینه عرفان و حدیث و فقه است. به تعبیری علمای اردبیل در رشد و بالندگی این دسته از علوم اسلامی سهم بوده‌اند. هرچندکه در سایر علوم نیز فعالیت‌هایی صورت گرفته‌است. در مجموع موقعیت ژئوپولیتیک منطقه، کشمکش‌های مدعیان قدرت در ادوار

علمی مهم جهان اسلام که محل اجتماع اندیشمندان بوده‌اند، مراکز علمی این منطقه در حوزه‌های مختلف در رتبه پایین‌تری قرار داشته‌است. اینکه عمده آثار تألیف‌شده، در حدود 60 درصد را آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه فعالیت داشته، به نگارش درآورده‌اند و نیز فعالیت مدرسان و استادان معروف و نامدار اردبیلی در مراکز علمی مناطق مختلف، دلیلی بر این مدعاست. البته از قرن هشتم قمری، فعالیت خانقاه شیخ‌صافی‌الدین به‌عنوان مرکزی علمی و نقش شیوخ آن در تربیت شاگردان در زمینه عرفان و تصوف موجب رونق و پیشرفت این شاخه از علوم اسلامی در اردبیل شد.

اشاره شد که تنها تعداد معدودی از دانشمندان به این منطقه سفر کرده‌اند، آن هم به‌صورت موقت و گذرا. درحالی‌که در مراکز علمی مهم، با مهاجرت بسیاری از دانشمندان مناطق مختلف به آن مراکز، بر غنای علمی آن کانون‌ها افزوده شده‌است. همچنین ذکر نکردن شرح احوال علمای این منطقه توسط نویسندگان تراجم، گواه آن است که این منطقه با مراکز علمی محدود خود، به فعالیت ادامه می‌داده‌است؛ چراکه در صورت داشتن کانون‌های علمی فعال و علمای سرشناس، به‌طور حتم دانشمندان مناطق دیگر در این سرزمین توطن می‌گزیدند. در مقابل، نویسندگان به آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه حضور یافتند و برخی از آنان از چهره‌های برجسته علمی به حساب می‌آمدند، اشاره کرده‌اند. حضور دانشمندان اردبیل در مراکز علمی مطرح آن زمان و تألیف آثار ارزشمند و تعامل با دانشمندان دیگر و شهرت آنان باعث شد که بخشی از شناخت ما از مشاهیر اردبیل، از طریق تواریخ محلی این مناطق باشد. دسته‌ای از رحله‌های علمای اردبیل مربوط به قبل از حمله مغول است. با آغاز فترت دستگاه خلافت و رقابت میان امرا و حاکمان سلسله‌های محلی، از جمله در

. ابن‌بزاز اردبیلی، درویش توکل، (1376)، صفوه‌الصفاء، تهران: زریاب.

. ابن‌تغری بردی، جمال‌الدین، (بی‌تا)، النجوم‌الزاهره، قاهره: الموسسه‌المصریه‌العامة.

. ابن‌جوزی، ابوالفرج، (1412)، المنتظم، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

. ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی، (1385ق)، الدرر-الکامنه فی اعیان‌الماء‌الثامنه، بی‌جا: دارالکتب‌الحدیثه.

. ابن‌العذیم، کمال‌الدین عمر، (1408)، بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب، بیروت: دارالفکر.

. ابن‌العماد‌الحنبلی، عبدالحی، (بی‌تا)، شذرات‌الذهب، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.

. ابن‌فوطی، کمال‌الدین ابوالفضل، (1963)، تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌اللقاب، دمشق: المطبعة‌الهاشمیة.

. ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل‌بن‌عمر، (1407)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.

. ابن‌المستوفی، شرف‌الدین، (1980)، تاریخ اربل، عراق: دارالرشید للنشر.

. اسنوی، عبدالرحیم، (1422)، طبقات‌الشافعیه، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

. الاصبهانی، الحافظ، (1934)، ذکر اخبار اصبهان، لیدن: بریل.

. اقبال آشتیانی، عباس، (1364)، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران: امیرکبیر.

. البغدادی، اسماعیل‌باشا، (بی‌تا: الف)، ایضاح‌المکنون، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.

. -----، (بی‌تا: ب)، هدیة‌العارفین، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.

. بغدادی، خطیب، (1417)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

. البلاذری، احمدبن‌یحیی، (1988)، فتوح‌البلدان، بیروت: دار و مکتبه‌الهلال.

مختلف و نبود ثبات سیاسی از یک سو و رونق‌نداشتن و پویانبودن مراکز علمی منطقه در حوزه‌های مختلف علوم و برخوردارن‌بودن از جاذبه برای جذب دانشمندان مناطق دیگر از سوی دیگر و نیز رحله‌های علمی فراوان دانشمندان بر وضعیت فرهنگی اردبیل تأثیرگذار بوده‌است.

پی‌نوشت

1. اردبیل با مساحت 18 هزار کیلومتر مربع به‌طور تقریبی، 1/09 درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده‌است. به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی، در سال 1372 استان اردبیل از استان آذربایجان‌شرقی جدا شد و به‌عنوان استانی مستقل مشتمل بر شهرستان‌های اردبیل، بیله‌سوار، پارس‌آباد، خلخال، گرمی، مشکین، نمین در تقسیمات کشوری جای گرفت. گفتنی‌است که گستره مکانی (جغرافیایی) این پژوهش مناطق فعلی استان اردبیل را دربرمی‌گیرد.

کتابنامه

کتاب‌های فارسی

. آقابزرگ الطهرانی، (1403)، الذریعه، بیروت: دارالاضواء.

. ابن‌ابی‌اصیبه، (بی‌تا)، عیون‌الانباء فی طبقات‌الاطباء، بیروت: دارمکتبه‌الحیاه.

. ابن‌ابی‌الوفاء، (1413)، الجواهر‌المضیة فی طبقات‌الحنفیة، ریاض: حلو.

. ابن‌اثیر، عزالدین، (1385ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر-داربیروت.

. -----، (بی‌تا)، اللباب، بیروت: دارصادر.

- بنداری، فتح‌بن علی، (1356)، زبده‌النصر و نخبه‌العصر، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- بیات، عزیزالله، (1370)، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران: میراث ملل.
- بیرونی، ابوریحان، (1377)، آثارالباقیه، ترجمه دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- پاشازاده، محمدعارف، (1352)، وقایع‌السنین و الاعوام، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ترابی طباطبایی، جمال، (1355)، آثار باستانی آذربایجان، تهران: بی‌نا.
- تربیت، محمدعلی، (بی‌تا)، دانشمندان آذربایجان، تبریز: بنیاد کتابخانه فردوسی.
- جوینی، عطاالملک، (1387)، جهانگشای جوینی، تهران: هرمس.
- حاجی خلیفه، مصطفی، (بی‌تا)، کشف‌الظنون، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حافظ ابرو، عبدالله، (1380)، زبده‌التواریخ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الحسینی، صدرالدین، (1933)، اخبارالدوله السلجوقیه، لاهور، بی‌نا.
- الحسینی، عبدالحی، (1383ق)، نزهة‌الخواطر، حیدرآباد: دائره‌المعارف‌العثمانیه.
- حکمت، علی‌رضا، (1364)، آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران: سمت.
- الحلبی، سبط‌بن‌العجمی، (1417)، کنوزالذهب فی تاریخ حلب، حلب: دارالقلم.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، (1380)، تاریخ حبیب‌السیر، تهران: خیام.
- خوانساری، محمدباقر بن زین‌العابدین، (1411)، روضات‌الجنات فی احوال‌العلماء و السادات، بیروت: دارالاسلامیه.
- ذهبی، شمس‌الدین، (1413)، تاریخ‌الاسلام، بیروت: دارالکتب‌العربی.
- ، (1993)، سیر اعلام‌النبلاء، بیروت: لموسسه‌الرساله.
- ، (بی‌تا)، تذکره‌الحفاظ، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- راغب، محمد، (بی‌تا)، سفینه‌الراغب، قاهره: دارالطباعة.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم، (1984)، التدوین فی اخبار قزوین، حیدرآباد: مطبعه‌العزیزیه.
- روملو، حسن‌بیگ، (1384)، احسن‌التواریخ، تهران: اساطیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (1376)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- السبکی، عبدالوهاب، (بی‌تا)، طبقات‌الشافعیة‌الکبری، بیروت: داراحیاء‌الکتب‌العربیة.
- سخاوی، شمس‌الدین، (1412)، الضوء‌اللامع، بیروت: دارالجیل.
- سمرقندی، عبدالرزاق، (1383)، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- سمرقندی، دولت‌شاه، (1337)، تذکره‌الشعراء، تهران: بی‌نا.
- السمعانی، عبدالکریم، (1382ق)، الانساب، حیدرآباد: دائره‌المعارف‌العثمانیه.
- السهمی، حمزه‌بن‌یوسف، (1407)، تاریخ جرجان، بیروت: عالم‌الکتب.
- سیوطی، عبدالرحمن، (بی‌تا: الف)، بغیه‌الوعاه، صیدا: المكتبة‌العصریه.
- ، (بی‌تا: ب)، طبقات‌المفسرین، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- ، (1418)، حسن‌المحاضره، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- ، (1927)، نظم‌العقیان فی اعیان‌الاعیان، نیویورک: المطبعه‌السوریة‌الامریکیه.

- . سیوری، راجر، (1372)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- . صفا، ذبیح‌الله، (1357)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: امیرکبیر.
- . الصفدی، صلاح‌الدین خلیل‌بن‌ایبک‌بن‌عبدالله، (1420)، الوافی بالوفیات، بیروت: داراحیاء التراث.
- . صفوت، محمدعلی، (1394)، تاریخ فرهنگ آذربایجان، تهران: سمیر.
- . الطبری، محمدبن جریر، (1387ق)، تاریخ‌الامم و الملوک، بیروت: دارالتراث.
- . عبدالله‌زاده ملکی، جمشید، (بی‌تا)، اردبیل: شهر مقدس.
- . قزوینی، زکریابن محمدبن محمود، (1373)، آثارالبلاد و اخبارالعباد، تهران: امیرکبیر.
- . فنوت، عبدالرحیم، (1393)، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم)، قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- . مستوفی قزوینی، حمدالله، (1339)، تاریخ گزیده، تهران: امیرکبیر.
- . مجیرالدین الحنبلی، (1388ق)، الانس‌الجلیل بتاریخ‌القدس و الخلیل، نجف: الحیدریه.
- . مسکویه، ابوعلی، (1379ش)، تجارب‌الامم، تهران: سروش.
- . المسعودی، علی‌بن‌الحسین، (1409)، مروج‌الذهب، قم: دارالهجره.
- . مقدسی، ابو عبدالله محمد، (1411)، احسن‌التقاسیم، قاهره: مکتبه مدبولی.
- . منشی قزوینی، بوداق، (1387)، جواهرالخبار، تهران: میراث مکتوب.
- . موسوی ننه‌کران، فخرالدین، (1379)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، اردبیل: شیخ‌صافی.
- . میرخواند، محمدبن‌خاوندشاه، (1385)، روضه‌الصفاء، تهران: اساطیر.
- . النعیمی، عبدالقادر، (1410)، الدارس فی تاریخ‌المدارس، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- . نیشابوری، ظهیرالدین، (1332)، سلجوقنامه، تهران: کلاله خاور.
- . یاقوت‌الحموی، شهاب‌الدین، (1995)، معجم‌البلدان، بیروت: دارصادر.
- . یزدی، شرف‌الدین، (1336)، ظفرنامه، تهران: امیرکبیر.

مقالات

- . جعفریان، رسول، (1389)، تاریخ فرهنگی و اجتماعی مرکز ایران در نیمه قرن دهم هجری (براساس خلاصه-
www.khabaronline.ir/weblog/jafarian الاشعار).
- . جوادی، سیدمهدی، (1383)، «اوضاع فرهنگی آذربایجان، ارژان و ارمینیه در قرون نخستین اسلامی»، تاریخ در آینه پژوهش، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 32 تا 45.
- . عبدالمعطی الصیاد، فواد، (1373)، «نقش ایرانیان در بنای تمدن اسلامی»، مترجم سیدحسین سیدی، مشکوه، قم: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، 68 تا 85.

کتاب‌های لاتین

- . Snowman, Daniel, (2014), Historical Biography, London, History Today, Vol.64, Issue 11, 52-56
- . Sabirov, Askadula Galimzyanovich, (2015), Heuristic Potentials of Biographical Method in Historical and Philosophical Studies, Rome, Mediterranean Journal of Social Sciences, vol 6, No 3 s3,249-254